

دام رقابت و آسیب‌های آن در دوره‌ی ابتدایی

رقابت میان افراد در خانواده شکل می‌گیرد و در مدرسه تشدید می‌شود. خانواده و مدرسه باید به‌جای ایجاد رقابت در میان کودکان، آن‌ها را به رقابت با خود تشویق کنند. ایجاد رقابت در میان دانش‌آموزان و مقایسه‌ی آن‌ها با یکدیگر، با توجه به اصل تفاوت‌های فردی، موجب حسادت، احساس حقارت و تضعیف عزت نفس می‌شود. توأم شدن این نوع رقابت با تشویق و پاداش، آثار منفی آن را به مراتب بیشتر می‌کند. برای اینکه دانش‌آموزان براساس قابلیت‌های فردی خویش رشد کنند و یادگیری در محیطی انسانی صورت گیرد، باید رقابت بیرونی به رقابت درونی تبدیل شود. رقابت از جمله مواردی است که امروزه فراگیر شده است و آموزش و پرورش کشور ما را تهدید می‌کند.



بیان مسئله

دانش‌آموزان و کودکان از نظر شرایط خانوادگی، جسمی، ذهنی و عاطفی با یکدیگر تفاوت‌هایی دارند. لذا در کلاس درس هم نمی‌توان از همه‌ی شاگردان توقع پیشرفت یکسان و مشابه داشت. رقابت فردی لذت کشف مسائل مهیجی مانند توانایی خواندن و درک پدیده‌های جهان پهناور را از دانش‌آموزان سلب می‌کند. انگیزه‌ی ذاتی به یادگیری می‌تواند در محیطی امن، اعتمادبخش و حمایت‌گرا به پرورش یابد. وقتی دانش‌آموزان احساس کنند با توجه به میزان تلاش خود نمی‌توانند برنده شوند، احساس بی‌کفایتی و نایمندی می‌کنند، زیرا در حلقه‌ی رقابت محاصره شده‌اند و به دلیل فرهنگ آموزشی حاکم، در مدرسه و کلاس درس هیچ گزینه‌ای به‌جز رقابت ندارند. به این ترتیب، به ورطه‌ی تلاش برای ضربه زدن به دیگران می‌افتند. معلمان نمی‌توانند نقش تفاوت‌های فردی در پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان را حذف کنند، اما می‌توانند میزان تحقیر در اثر عملکرد ضعیف آن‌ها را کاهش دهند. همچنین، می‌توانند در دانش‌آموزان احساسی را پرورش دهند که پیشرفتشان را با ارزش کند و نیز محیطی آموزشی را فراهم آورند که به دانش‌آموزان اجازه دهد بر مهارت‌ها و فهم در حال افزایش خود تمرکز کنند. این مقاله شما را به بازاندیشی در مورد رقابت دعوت می‌کند. در این نوشته به دو نوع رقابت مرسوم می‌پردازیم.

۱ رقابت به معنای مقایسه کردن

افراد با یکدیگر

در این نوع رقابت، هر دانش‌آموزی سعی می‌کند از دیگری پیشی بگیرد. اما این سعی و تلاش پس از مدتی به «درج‌ازدن» عده‌ی زیادی از شاگردان می‌انجامد، زیرا عده‌ی بسیار کمی در این مسابقه به هدف‌های



هنگامی که دانش آموزان برای رقابت با خود تشویق شوند، نه با دیگران و برای یادگیری تلاش کنند نه برای دست یافتن به اهداف عملکردی، انگیزش و پیشرفت آن‌ها افزایش می‌یابد.

۴ ایجاد اضطراب و تشویب دائمی: فردی که در حضور جمع به خاطر داشتن لیاقتی خاص تحسین شده است، همواره نگران خواهد بود مبادا از این موقعیت که در حضور همگان کسب کرده، تنزل پیدا کند. در مواردی مشاهده شده است که چنین دانش‌آموزانی دچار شکست تحصیلی شده‌اند. دلیل آن ممکن است اضطراب ناشی از این موقعیت یا منزوی شدن به دلیل مورد حسادت واقع شدن باشد.

۵ جابه‌جا شدن هدف و وسیله: یادگیری هدف و تشویق وسیله است. زمانی که دانش‌آموز به‌طور کلامی یا مادی تشویق می‌شود، به‌جای اینکه به هدف توجه کند، روی وسیله تمرکز می‌کند و از این پس برای رسیدن به پاداش (تشویق مادی یا کلامی) تلاش می‌کند. کوهن می‌گوید: اگر در قبال یادگیری فراگیرندگان به آن‌ها پاداش دهیم، یادگیری ارزش واقعی خود را از دست می‌دهد و علاقه‌ی شاگردان به یادگیری نیز کاهش می‌یابد.

۶ مورد حسادت دیگران واقع شدن فرد تشویق شونده: دانش‌آموزانی که در حضور جمع تشویق می‌شوند، قبل از آنکه سایر شاگردان آن‌ها را به‌عنوان الگو بپذیرند، مورد تنفر آنان قرار می‌گیرند. این تنفر گاهی اوقات آنان را منزوی می‌کند که علاوه بر اثرات نامطلوب روانی، در پیشرفت تحصیلی نیز اثر سوء دارد. این موضوع در دوره‌ی ابتدایی که دانش‌آموزان بیشتر بزرگسالان را به‌عنوان الگو انتخاب می‌کنند، درخور توجه فراوان است.

۷ ایجاد کینه، دشمنی و حسادت در میان شاگردان: مربی باید در صدد تبدیل کردن رقابت به رفاقت باشد، اما با تشویق فرد در مقابل جمع و مقایسه کردن شاگردان با یکدیگر، رفاقت موجود به رقابت و در نهایت به حسادت تبدیل می‌شود.

۸ تفکر نکردن درباره‌ی مطالب درسی و حفظ طوطی‌وار آن‌ها: زمانی که جو رقابت و برنده شدن در کلاس حاکم می‌شود

توجه کنید: «علی احمدی دانش‌آموز سال پنجم ابتدایی است. او در درس ریاضی، ثلث اول نمره‌ی ۲۰ و ثلث دوم نمره‌ی ۱۹ گرفته است و در هر دو ثلث بالاترین نمره‌ی کلاس را داشته است. معلم ریاضی وارد کلاس می‌شود، او را به جلوی کلاس فرامی‌خواند و در حضور سایرین تشویقش می‌کند. در پایان هم خطاب به شاگردان می‌گوید: شما هم مثل احمدی درس بخوانید و از او یاد بگیرید. او الگوی شماست. تا ببینیم از این به بعد چه کسی می‌تواند مثل احمدی باشد.» شیوه‌ی این معلم ترکیبی از روش «ایجاد رقابت در میان شاگردان» و «تشویق فرد در حضور جمع» است و پیامدهای زیر را به دنبال دارد:

- ۱ ایجاد تبعیض در کلاس درس؛
- ۲ تنبیه اکثر شاگردان: زیرا تشویق یک فرد در جمع و قرار دادن او به‌عنوان الگوی جمع، تلویحا به معنای تنبیه جمع است؛
- ۳ ایجاد غرور در فرد تشویق شونده: زیرا احساس می‌کند نهایت پیشرفت را کرده است و دیگر به پیشرفت بیشتر نمی‌اندیشد. در نتیجه، پیشرفت او در حد معین متوقف می‌شود.

مورد نظر معلم دست می‌یابد. اکثریتی که از این دور خارج شده‌اند، هیچ آمیدی برای رسیدن به خط پایان ندارند، سرخورده می‌شوند، احساس حقارت و ناتوانی در آنان افزایش می‌یابد و هرگونه تلاشی برای یادگیری را بی‌فایده می‌دانند. در سوی دیگر، افرادی که پیشرفت‌هایشان نزدیک به هم است، به طرز تأسفاوری با یکدیگر به چالش می‌افتند. آن‌ها از پیشرفت‌های یکدیگر ناخشنود و از پسرهای یکدیگر خشنود می‌شوند. بسیاری از افراد، فقط زمانی از رقابت لذت می‌برند که شانس برنده شدن داشته باشند. زمانی که دانش‌آموز ضعیف یا متوسط کلاس مجبور به رقابت درسی با دانش‌آموزانی می‌شود که سوابق بهتری دارند، شانس کمی برای برنده شدن دارد. لذا احساس ناتوانی در این دانش‌آموز تقویت می‌شود و این احساس نه تنها بر وضعیت تحصیلی، بلکه بر پیشرفت او در سایر جنبه‌های زندگی نیز تأثیر منفی خواهد گذاشت، زیرا در چنین شرایطی، گروه اندکی از شاگردان برنده می‌شوند و اکثریت همواره در حال تجربه کردن شکست هستند. به عملکرد معلم در موقعیت فرضی زیر

فرصت‌های تفکر درباره‌ی مطالب درسی از دست می‌رود. در چنین شرایطی از خلاقیت و ابتکار خبری نیست. پاداش‌ها دشمن اختراع و اکتشاف هستند و زبان‌های آشکار و پنهان فراوانی دارند.

۲ رقابت به معنای مقایسه‌ی فرد با

خود

در این شکل از رقابت، توانایی‌های منحصربه‌فرد افراد مورد توجه مریبی است و هر دانش‌آموز با توجه به قابلیت‌ها و ظرفیت‌هایش، و همچنین رشد و پیشرفتی که در گذشته داشته است، مورد سنجش قرار می‌گیرد. در این شیوه، ملاک سنجش برای همه‌ی شاگردان یکسان نیست و خصوصیات بی‌ظنیر و زمینه‌ی قبلی هر شاگرد مبنای کار معلم است. معلم سعی می‌کند میان استعداد‌های همان یک نفر رقابت ایجاد کند، نه میان شاگردان یک کلاس. به این ترتیب، انضباط درونی که پایدارترین نوع انضباط است شکل می‌گیرد و قابلیت‌های دانش‌آموز شکوفا می‌شود. چنین رقابتی به دانش‌آموز فرصت می‌دهد با توجه به قابلیت‌هایی که دارد رشد کند و به مریبی فرصت می‌دهد هر یک از فراگیرندگان خود را با توجه به ظرفیت‌ها و توانایی‌های فردی‌شان رشد دهد. این نوع رقابت، از دانشمند توقع دارد دانشمند شود، از مهندس توقع دارد مهندس شود و از تکنسین انتظار دارد تکنسین شود. لذا معلم با تدابیر خود باید مانع از ایجاد رقابتی شود که به کسب موفقیت در تعداد کمی از افراد و شکست اغلب آن‌ها می‌انجامد. دانش‌آموزان برای به دست آوردن نمره‌های بالا، کسب موفقیت در فعالیت‌های ورزشی و حتی جلب توجه معلم، با هم به رقابت می‌پردازند. این رقابت‌ها موجب می‌شود آن‌ها به مقایسه‌ی اجتماعی میان خود بپردازند و در نتیجه به جای تکلیف درگیری به خود درگیری برسند.

افراد خود درگیر کارهای دشوار را، نه به دلیل داشتن انگیزه برای خوب انجام دادن کار، بلکه به دلیل کسب برتری در رقابت با دیگران، انجام می‌دهند. آن‌ها می‌خواهند عملکردشان بهتر از دیگران، و نه شایسته‌تر، باشد.

پیشینه‌ی عملی

اگر دانش‌آموزان به ایجاد هماهنگی میان هدف‌هایشان با آنچه می‌خواهند فراگیرند یا انجام دهند تشویق شوند، انگیزه‌ی بیشتری خواهند داشت و موفق‌تر خواهند بود، تا اینکه هدفشان را بر این اساس انتخاب کنند که چه کاری را در کلاس بهتر از سایرین انجام دهند. هنگامی که دانش‌آموزان برای رقابت با خود تشویق شوند، نه با دیگران و برای یادگیری تلاش کنند نه برای دست یافتن به اهداف عملکردی، انگیزش و پیشرفت آن‌ها افزایش می‌یابد. در یک پژوهش، به دو گروه مسئله‌ی یکسانی داده شد. به گروه اول گفته شد برای شکست حریفان تلاش کنند، اما به گروه دوم گفتند تا حد امکان مسئله را به بهترین شکل و کمترین زمان ممکن حل کنند؛ بدون اینکه از برنده شدن و بهتر

شدن از شخصی دیگر سخنی به میان آید. گروه اول که در مقایسه با گروه دوم انگیزش درونی کمتری برای حل مسئله داشت، برنده شد، ولی گروه دوم باز خوردی مثبت نسبت به خود و عملکردش دریافت کرد. عوامل شخصیتی، مانند میزان انگیزه‌ی پیشرفت، ممکن است آثار زیان‌بخش رقابت را تا حدی کاهش دهند. محققان آثار زیان‌بار رقابت را بارها بررسی کرده‌اند. دانش‌آموزان در ساختارهای مشوق همکاری، نسبت به شرایطی که در آن دانش‌آموزان در ساختارهای رقابتی فردی قرار می‌گیرند، هم‌کلاسی‌های خود را بیشتر تشویق می‌کنند.

نتیجه

از بدترین معایب اعتقاد به رقابت آموزشی این است که باعث تحمیل آموزش بیش از حد، به‌ویژه به بهترین محصلان، شده است. رقابت به‌عنوان واقعیتی آموزشی، نه تنها ناپسند است، بلکه به‌عنوان آرمانی فراروی جوانان نیز نامطلوب است. آنچه جهان امروز به آن نیاز دارد، نه رقابت، بلکه کار گروهی و همکاری است. برای آن‌هایی که غرق در آرمان رقابت هستند، درک مفهوم جامعه به‌عنوان یک تمامیت زنده بسیار مشکل است. ■

پیشنهادها

- ۱ برگزاری کارگاه‌های آموزشی با موضوع رقابت برای معلمان و اولیا
- ۲ تلاش برای فراگیری رویکرد یادگیری مشارکتی در مدارس
- ۳ آشنا کردن معلمان با روش تلاش فردی یا حداقل روش رقابت گروهی در برنامه‌های آموزش ضمن خدمت
- ۴ رسانه‌ای کردن آثار زیان‌بار رقابت
- ۵ شناسایی و پرورش استعداد‌های برتر هر دانش‌آموز نسبت به خودش در دوره‌ی ابتدایی
- ۶ همت مدیران، مشاوران و مربیان تربیتی بر اینکه با اجرای مستمر روش‌های تلاش فردی و رقابت گروهی، نواقص هر دانش‌آموز را با بیانی ساده، از طریق مشاوره‌ی فردی و بدون مقایسه با دیگران، به آن‌ها تفهیم کنند.
- ۷ آگاه کردن والدین از تأثیر تشویق بر تلاش فردی، از طریق برنامه‌های آموزشی خانواده

اصل این مقاله به همراه منابع در سایت مجله رشد آموزش ابتدایی قابل دستیابی است.